

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۸۴

جمعه ۱۴ مرداد ۱۴۰۱ - ۵ اوت ۲۰۲۲

فراخوان به کارزار "اتحاد علیه سرکوب"
حزب کمونیست کارگری ایران. صفحه ۵

سیل ویرانگر، حکومتی ویرانگرتر!
محسن ابراهیمی. صفحه ۳

جنایت های جمهوری اسلامی علیه "بهائیان" شدیداً محکوم
است!

این حمله حکومت فاشیستی اسلامی به همه مردم است! صفحه ۴

علیه پرونده سازی های "موسادی" جمهوری اسلامی
حمید تقوایی
مصاحبه با تلویزیون کانال جدید صفحه ۶

نامه به دولت ها و سازمانها

شیوا محبوبی
سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران. صفحه ۸

بن بست سیاسی در عراق و انزوای بیشتر رژیم اسلامی
عبدل گلپریان صفحه ۹

اطلاعیه انقلاب زنانه در محکومیت
شکنجه سپیده رشنو
صفحه ۱۰



زلزله زنانه، "هفته حجاب و عفاف" حکومت را بر سرش
آوار کرد
مهران محبی. صفحه ۱۱

به حضور ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور قاتل در مجمع
عمومی سازمان ملل اعتراض کنیم!
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی. صفحه ۱۱

خطر مرگ واله زمانی را تهدید میکند
به نجات وی برخیزیم
کمپین برای آزادی کارگران زندانی صفحه ۱۲

در محکومیت دستگیری اعضای حزب کومه‌له
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران. صفحه ۱۳

تلاش برای ترور مسیح علی‌نژاد را محکوم میکنیم
حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۱۳

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
صفحات ۱۳ و ۱۴

نامه سرگشاده به دولتهای جهان، سازمان ملل و
نهادهای بین المللی
سکوت در برابر توحش حکومت
اسلامی از نظر مردم بخشودنی نیست

جمهوری اسلامی اخیراً به اقدامات جنایتکارانه و سرکوبگرانه خود علیه کارگران و بازنشستگان و معلمان و بخشهای مختلف مردم شدت داده است. دستگیریهای فله ای و پرونده سازیهای بی حساب و کتاب، قطع داروی زندانی سیاسی، شکنجه و اعتراف گیری اجباری، ترور، آدم ربایی، شلیک مستقیم به معترضان، تخریب خانه های شهروندان بهائی، مجازات قطع انگشت و قطع عضو و کور کردن، اعدام، شلاق زدن، شلیک مستقیم به کارگران بیکاری که کولبری میکنند، اینها چند نمونه از اقدامات و سیاستهای ضد انسانی و قرون وسطائی جمهوری اسلامی است که در ماههای اخیر نیز به کار گرفته شده است.

این حکومت ننگ جامعه بشری است. انتظار مردم ایران این است که دولتها و نهادهای بین المللی این حکومت را زیر فشار قرار دهند و چشم خود را در برابر پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی شهروندان این کشور توسط حاکمین نبندند. از نظر ما سکوت در برابر این جنایات بخشودنی نیست. ابعاد سرکوبگریها و جنایات حکومت اسلامی در حدی است که سازمان

عفو بین الملل در گزارش تحقیقی تازه خود در دوازدهم مرداد ماه در مورد برخورد رژیم جمهوری اسلامی با اعتراضات مردمی در ماههای اردیبهشت و خرداد امسال خطاب به جامعه بین المللی هشدار داده و مینویسد: "جامعه بین المللی باید مقامات رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر سیل خشونتی که نیروهای امنیتی همراه با مصونیت مطلق علیه معترضان در جنوب غرب ایران در ماههای اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ به راه انداختند پاسخگو بداند."

بدون شک دولت ها و نهادهای بین المللی از این سیاستها و سرکوبگریها کاملاً باخبرند. سوال ما اینست که آیا جامعه جهانی وظیفه ای در رابطه با پایمال کردن زندگی و حقوق انسانی در این کشور برای خود قائل هست؟ تا کی میخواهید در برابر چنین سببیتی و چنین جنایاتی سکوت و مماشات کنید؟ این حکومت از نظر ما و مردم ایران باید در سطح جهان منزوی و بایکوت شود. باید سفارتخانه هایش در همه کشورها بسته شوند و نمایندگانش از سازمان ملل و نهادهایی مثل سازمان جهانی کار بیرون انداخته شوند و سران و دست ادامه در صفحه ۲

ادامه از صفحه ۱
اندراکاراتش در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند. اقدامات عملی در این جهت، انتظار مردم ایران از هر دولتی است که ادعای دفاع از حداقل حقوق انسانی را دارد.

نمونه هایی از اقدامات جمهوری اسلامی در ماههای اخیر را به ضمیمه این نامه تیتروار به اطلاع شما می‌رسانیم. در یک کلام مردم ایران سکوت دولتها و مداخلات با حکومت جنایتکار اسلامی را بهیچ وجه و با هیچ مصلحت و توجیهی نمی‌پذیرند.
دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران
چهارم اوت ۲۰۲۲ -
۱۳ مرداد ۱۴۰۱

ضمیمه: برخی از اقدامات سرکوبگرانه و جنایتکارانه اخیر جمهوری اسلامی

در زیر مختصراً به نمونه هایی از اقدامات ضد انسانی اخیر حکومت اسلامی اشاره میکنیم که هر تک مورد آن برای به مواخذه کشیدن دست اندرکاران یک دولت کافیهست:

- در پی حملات گسترده اخیر گشت های جمهوری اسلامی به زنان تحت عنوان "حجاب و عفاف"، سپیده رشنو یک زن هنرمند و نویسنده ۲۸ ساله ایرانی به اتهام مخالفت با حجاب اجباری اخیراً دستگیر شد و زیر شکنجه وادار به اعترافات تلویزیونی گردید. سپیده به دلیل برداشتن حجابش در اتوبوس و صحبت علیه حجاب بازداشت شد. او ابتدا به یکی از بازداشتگاههای سپاه پاسداران منتقل گردید. برای او پرونده سازپها شد. اعتراض او همچون اعتراضات بی شمار دیگر به "دولتهای خارجی" نسبت داده شد و بعد از ۱۴ روز بیخبری شبکه های خبری جمهوری اسلامی ویدئوی اعتراف اجباری او را پخش

کردند. شکنجه زندانیان برای اعتراف اجباری روش رایجی است که رژیم در ایران برای وادار کردن زندانیان به اعترافات دروغین استفاده می کند تا

بوسیله پلیس آمریکا دستگیر شده است. شواهد نشان میدهد که این فرد قصد ترور مسیح علی‌نژاد را داشته و انگشت اتهام متوجه جمهوری

بی حسی. با گیوتین قطع گردید. حسینی همچنان در زندان اوین بسر میبرد و در حالی که پس از قطع انگشتانش دچار عفونت و آسیب روحی شده، از

این حکومت ننگ جامعه بشری است. انتظار مردم ایران این است که دولتها و نهادهای بین المللی این حکومت را زیر فشار قرار دهند و چشم خود را در برابر پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی شهروندان این کشور توسط حاکمین نبینند. از نظر ما سکوت در برابر این جنایات بخشودنی نیست.

اسلامی است. این دومین توطئه تروریستی جمهوری اسلامی علیه مسیح علی‌نژاد است که خوشبختانه هر دو بار ناکام مانده است.

- در برابر سونامی گرانی در ایران از نیمه اردیبهشت امسال اعتراضات مردمی ای در شهرهای مختلف ایران از جمله شهرهای ایذه، دزفول، اندیمشک، بروجرد، دورود، جونقان، فارسان، دهدشت و بسیاری شهرهای دیگر به راه افتاد. جمهوری اسلامی با سرکوب خشونت آمیز با این اعتراضات بحق مردم مقابله کرد و بنا به منابع حکومتی دستکم ۴ نفر در این اعتراضات کشته شدند و شمار بسیاری بازداشت شدند که هنوز در زندانهای در این اعتراضات نیروهای حکومت اسلامی با گلوله های ساچمه ای معترضان و شاهدان و رهگذران و از جمله کودکان را مورد حمله قرار داده و مجروح کردند. عفو بین الملل در گزارش خود از در اختیار داشتن اسناد بسیاری از این جنایات خبر میدهد.

- یک جنایت تکان دهنده اخیر حکومت اسلامی قطع انگشتان دست دو زندانی با گیوتین به جرم سرقت است. مورد اول در مورد فردی به نام پویا ترابی در پنجم مرداد ماه انجام شد. پویا ترابی نزدیک به چهل سال سن دارد و این عمل جنایتکارانه در حضور تعدادی از مقامات و یک پزشک در زندان اوین انجام گرفته است. قبل از آن در در دهم خرداد چهار انگشت دست شخصی بنام سید برات حسینی بدون داروی

دسترسی به مراقبت های درمانی فیزیکی و روانی محروم مانده است. و این درحالیست که در حال حاضر حداقل هشت زندانی دیگر در ایران در خطر قطع انگشتان دست قرار دارند. قطع عضو یک مجازات اسلامی در قوانین حاکم بر ایران است.

- طبق اخبار دولتی حکم کور کردن سه نفر برای انجام مقدمات اجرای حکم به دادرسی جنایی تهران فرستاده شده است. این احکام مربوط به سه پرونده جداگانه یک زن و دو مرد است که به قصاص از طریق کوری چشم محکوم شده اند. قصاص یکی دیگر از قوانین مجازات های وحشیانه اسلامی در ایران است.

- یک موضوع دیگر بازداشت گسترده خانواده های دادخواه است. خانواده هایی که عزیزانشان در گذشتار سال ۹۸ و اعدامهای دهه شصت بدست جانیان اسلامی به قتل رسیده اند. بیشتر این مادران اکنون با کارزارهای مردمی آزاد شده اند اما ناهید شیرپیشه، مادر پویا بختیاری یکی از جانباختگان کشتار آبان ۹۸، همچنان در زندان است.

- قتل هر روزه کولبران در غرب کشور و سوختن در شرق کشور از دیگر جنایات هر روزه جمهوری اسلامی است. نمونه اخیر کیوان عبدالله کولبر ۳۰ ساله است که در ۳۱ ماه مه در پی شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی به قتل رسید. اینها کارگران بیکاری هستند که به خاطر نداشتن شغل به این شکل

امرار معاش میکنند و در طی سالها صدها کولبر و سوختن توسط حکومت اسلامی به قتل رسیده اند. نیروی انتظامی بنا به

فتوای خامنه ای نیروی "آتش به اختیار" است. شامگاه نهم تیرماه مأموران نیروی انتظامی حکومت به خودروی شخصی رحمان راشدی منش اهل روستای "قلقله" از توابع مریوان، در جاده خرم آباد شلیک کردند که در پی آن، دو کودک این خانواده بنامهای مهدی و متین راشدی منش ۹ ساله و ۱۳ ساله جان خود را از دست دادند و پدر (رحمان) و مادر (هما) آنان نیز بازداشت شدند.

- در کمتر از دو ماه گذشته بیش از ۲۴۰ معلم از سراسر ایران بخاطر اعتراض علیه وضع بد معیشتی و وضع نابسامان آموزش و پرورش و خواستههای معیشتی خود و تاکید بر تحصیل رایگان بازداشت و زندانی شده اند. - بازداشت دو تبعه فرانسوی و فعال کارگری سسیل کولر و ژاک پاری در اردیبهشت ماه و همراه با آنها دستگیری شماری از معلمان، فعالین کارگری و اجتماعی با اتهام مسخره همکاری با دستگاه های جاسوسی خارجی برای تخطئه مبارزات معلمان و سرکوب آنها یک نمونه شناخته شده دیگر است.

کلا دستگیری اتباع خارجی و یا دو تابعیتی بعنوان گروگان بمنظور باج گیری و برای پیشبرد سیاستهای تروریستی در جهان و معاوضه با تروریستهای اسلامی از دیگر اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی است. بازداشت شدگان این پرونده که جریشان ملاقات با این دو تبعه فرانسه است عبارتند از: معلمان بازداشتی (رسول بدایق، شعبان محمدی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه)، کارگران بازداشتی (واله زمانی، حسن سعیدی، رضا شهابی)، فعالین اجتماعی
ادامه در صفحه ۴

سیل ویرانگر، حکومتی ویرانگرتر!

محسن ابراهیمی



میدهد، بیشتر ستادهای مدیریت بحران سیاسی فعال میشوند چون خوب میدانند، در بطن هر حادثه طبیعی، همبستگی مردمی و اعتراض اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد.

یک واقعیت تلخ و آزار دهنده را هم باید اضافه کنیم که در جریان حوادث طبیعی، در لحظاتی که مردم هراسناک در ماتم از دست دادن عزیزانشان هستند، اراجیف مقامات حاکم نمک بر زخمشان می‌باشد. مثلاً در سیل بهار ۹۸، ولی فقیه با بیشترین خطاب به مردم ستم‌دیده و صدمه دیده از سیل چنین تصویری داد: "حوادثی که ظاهر بلا دارد، اگر چه باطنش .. نعمت و عطای الهی است" و همان زمان رسانه‌های حکومتی خاطره‌ای از او نقل کردند که "رهبر معظم" در جریان سیل ایران‌شهر، قطعه‌ای از تریب کربلا را در میان امواج پرتلاطم سیل پرت کرده بود و سیل خروشان فوراً بند آمده بود!

با این درجه از وقاحت سران حکومت، تعجب آور نیست که هم در زلزله‌ها و سیل‌های قبلی و هم در جریان سیل جاری، هر جا میان مردم ظاهر شدند، با اعتراض و خشم و انزجار مردم مواجه شدند. در سایل بهار ۹۸، فرمانده نیروی زمینی سپاه علناً اظهار کرد که "هیچ مسئول دولتی جرئت نمی‌کند بره اونجا، چون مردم از دست ما عاصی هستند. من خودم تونستم به به شکلی از دستتون در برم". سیل زده‌ها در پل دختر از محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با ادامه در صفحه ۴

است، این حکومت حتی اطلاع‌رسانی با معیارهای ابتدایی را هم انجام نمیدهد و برعکس تا میتواند به مردم دروغ می‌گوید. به جای اطلاع‌رسانی و امداد رسانی برای مردم، حتی تا میتوانند مانع اطلاع‌رسانی مردم میشوند. در جریان سیل سه سال پیش، دادستان کل کشور، فرمانده نیروی انتظامی و وزیر کشور به "عوامل نشر خبر دروغ و کذب که به دنبال بزرگنمایی مشکلات مناطق سیل‌زده هستند"، به "کسانی که به دنبال ایجاد اختلال در امنیت کشور هستند"، به "اخلالگران نظم و امنیت" اعلان جنگ کردند. همان موقع فرمانده ناجا مردم سیل زده را "از حضور بیش از ۱۰۰۰ نفر نیروی کمکی از شهرستان‌های اطراف و یگان ویژه و ایستگاه‌های بازرسی و کنترل" در منطقه مطلع کرد. در جریان سیل جاری هم همین روش شناخته شده جمهوری اسلامی وجود دارد با این تفاوت که این حکومت مخصوصاً بعد از آن ۹۸ موقعیت متزلزلی دارد و به خاطر ترس و نگرانی سیاسی دست و بالش بسته تر از گذشته است.

جمهوری اسلامی، یک "ستاد مدیریت بحران" دارد که فقط بودجه ناچیزش در مقایسه با نهادهای اسلامی مثل جامعه المصطفی که کارش تولید انبوه آخوند در جهان است نشان میدهد که برای این حکومت جان و زندگی مردم ذره‌ای ارزش ندارد. تازه همین بودجه هم صرف مدیریت هیچ بحرانی از جمله سیل و زلزله نمی‌شود بلکه به شیوه‌هایی که سران حکومت دیگر در آن استاد شده‌اند بین آقازاده‌هایشان تقسیم می‌شود. وقتی یک بحران طبیعی رخ

درختان، "موزه دفاع مقدس" بسازند و علیرغم اعتراض مردم محل، "بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس"، ده هزار متر مربع زمین از ارتفاعات جنگل‌های طبیعی و بکر ناهارخوران را در پای مقدسات جمهوری اسلامی ذبح کرد. جنگل ویران شد و "تپه نور الشهدا" جایش را گرفت. اینها فقط سه مثال از نقش مخرب جمهوری اسلامی و مقاماتش است که در راه مخرب نقش داشته‌اند.

همه میدانند که پیش‌بینی و آماده‌سازی مردم پیش از وقوع حوادث طبیعی یک رکن مهم کاهش صدمات این حوادث است. حکومت اسلامی پیش‌بینی و آماده‌سازی دارد اما نه برای مصون کردن مردم از حوادث طبیعی، بلکه برای مصون کردن حکومت از اعتراضات و مردم معترض. جمهوری اسلامی حکومتی است که کوچکترین سهمی در آماده‌سازی مردم برای کم کردن هر چه بیشتر تلفات و صدمات حوادث طبیعی ندارد اما در عین حال برای مقابله با اعتراضات همه رقم آماده‌سازی میکند. مانور مقابله با بحرانهای کارگری را کارگران فراموش نکرده‌اند.

نقش حکومت اسلامی

در جریان سیل روشن است که در جریان یک حادثه طبیعی، اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق، امداد رسانی به موقع و گسترده و حرفه‌ای چقدر میتواند جان و زندگی انسانها را نجات دهد و سطح ویرانی را پایین نگه دارد.

تجربه زلزله‌ها و سیل‌های قبلی دست حکومت را در این مورد برای مردم رو کرده است. اطلاع‌رسانی دقیق سهل

اسلامی را به تصویر کشیده است: "جنگل‌ها را غارت کردیم، کوه‌خواری و جنگل‌خواری کردیم و در مسیر رودخانه خانه ساختیم. شهرداری‌ها حریم فروختند و این پول خون کودک و زنی بود که قرار بود در آینده سیل آنها را ببرد... آقای رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس! همه متهم هستیم. اگر به خود نیاییم سیل ما را هم خواهد برد."

در جریان همان سیل معلوم شد هر جایی سیل ویرانی بیشتری به بار آورده است دست خونین و چرکین حکومت اسلامی در کار بوده است. برای مثال در جریان سیل آن سال در ورودی بخش‌هایی از جنگل‌های گرگان، تابلویی با این نوشته نظر مردم را جلب میکرد: "کلبه عواید حاصل از درختانی که می‌بریم هزینه حوزه علمیه گرگان می‌شود".

معلوم شد در نصب این تابلو و قتل عام درختان جنگل دست آیت‌اللهی به نام نورمفیدی در کار است که به آیت‌الله جنگل‌خوار معروف است. او که امام جمعه گرگان و نماینده ولی فقیه در استان گلستان بود با همکاری دهها نهاد و ارگان به نام آقازاده‌های بیت خودش و به نام "هزینه حوزه علمیه" ثروت‌های نجومی میان افراد خانواده جابجا

میکرده است. در سیل همان سال، ابعاد وسیع ویرانی در اطراف دروازه قران شیراز به این خاطر بود که آقازاده‌های بساز و بفروش اسلامی به کمک شهرداری و فرمانداری محل در بستر رودخانه جاده و اتوبان و خانه ساخته بودند. در سالهای قبل هم، مجوز قطع درختان جنگل‌های زیبای "ناهار خوران" در گرگان توسط احمدی نژاد صادر شده بود تا به جای آن

حکومت اسلامی مجرم است

بیش از ده روز است که سیلی ویرانگر به جان و زندگی مردم یورش برده است. خیلی‌ها جانشان را از دست داده‌اند؛ تعدادی مفقود شده‌اند و تعداد بسیار کثیری خانه و مغازه و کار و محصول کشاورزی و دام و حاصل یک عمر کار و زحمتشان را از دست داده‌اند.

سیل یک حادثه طبیعی است. اما در ایران آنچه حوادث طبیعی همچون سیل را به یک فاجعه انسانی تبدیل میکند، جمهوری اسلامی است. در نتیجه چهل و سه سال تعرض سازمانیافته به طبیعت و چیاول گسترده منابع طبیعی میلیاردهای اسلامی حاکم است که حوادث طبیعی مثل سیل به یک تراژدی انسانی تبدیل میشود. اکثریت مردم ایران بخوبی به این حقیقت واقفند.

تا آنجا که به ابعاد وسیع ویرانگری و تلفات و صدمات مربوط است، جمهوری اسلامی در همه مراحل یک سیل، چه پیش از وقوع آن، چه در جریان و چه بعد از پایان آن، زمینه هر چه ویرانگرتر شدن سیل را فراهم کرده است. اینجا فقط به گوشه‌هایی از نقش مخرب حکومت اسلامی می‌پردازیم.

نقش حکومت اسلامی

پیش از وقوع سیل این دیگر به دانسته عمومی تبدیل شده است که زیرساختهای طبیعی گسترده‌ای که می‌توانست ابعاد ویرانگری سیل را محدود کند، قبلاً توسط میلیاردهای حاکم در ایران تخریب شده‌اند. سخنان نماینده گنبد کاووس در مجلس اسلامی در جریان سیل بهار ۹۸ بخوبی نقش حکومت

بازداشت شدگان اعتراضات مردمی در سال ۹۷ که خبرش جهانی شد، شلیک موشک به هواپیمای مسافربری اوکراینی و به قتل رساندن ۱۷۶ سرنشین آن، حکم اعدام علیه انسانهای ال جی بی تی و دگرباشان، همه و همه گوشه ای از کارنامه عریض و طویل جنایات حکومت را بیان میکند.

پایان بازجویی بدلیل مسری بودن بیماری اش او را در انفرادی نگاهداشته و فقط به او مسکن داده میشود. علاوه بر این موارد اخیر، باید به کشتار بیش از ۱۵۰۰ نفر در اعتراضات مردمی در آبان سال ۹۸، اعدامهای دهه ۶۰ و استفاده از اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب جامعه و افزایش شمار اعدامها از جمله اعدام نوید افکاری از

دستگیرشدگان بویژه واله زمانی در وضعیت بسیار هشدار دهنده ای بسر میبرد و خطر مرگ او را تهدید میکند. او به بیماری سخت هپاتیت س مبتلا است و باید تحت درمان فوری قرار گیرد. اما علیرغم این بیماری حکومت او را دستگیر کرده و زیر شکنجه و فشار قرار داده و از درمان و داروهایش او را محروم کرده است. بعد از

میکند؛ شهروند سوئدی- ایرانی احمد رضا جلالی که او نیز به اعدام محکوم شده است؛ شهروند بلژیکی اولیویه وندکاستیل؛ شهروند آلمانی- ایرانی ناهید تقوی؛ شهروند بریتانیایی- ایرانی مهران رئوف؛ شهروند آمریکائی- ایرانی مراد طاهباز که همچنین تابعیت بریتانیایی دارد؛ و بسیاری دیگر. - در میان این

ادامه از صفحه ۲
(آنیشا اسداللهی، کیوان مهدی، ریحانه انصاری نژاد). چند نمونه دیگر از شهروندان دو تابعیتی و یا خارجی که در حال حاضر در زندان های جمهوری اسلامی اسپرند، عبارتند از: شهروند آلمانی- ایرانی جمشید شارمهد که دو سال پیش توسط عوامل جمهوری اسلامی از دوی ریبوده شده و خطر اعدام هر لحظه او را تهدید

امکان کار و درآمدشان را از دست داده اند. تردیدی در این نیست که حکومت اسلامی را فقط و فقط به زور یک همبستگی و اعتراضات سراسری می توان مجبور کرد کمی سر کیسه های پر از ثروت چپاول شده مردم را برای تأمین نیازهای مردم سیل زده شل کند. و البته به این همبستگی و اعتراض، علیرغم هر درجه عقب راندن حکومت اسلامی، باید به مثابه بخشی از کل مبارزه برای تقویت صف مردم و جنبش سرنگونی علیه حکومت اسلامی، جنبش برای رهایی از حکومت اسلامی نگاه کرد.

به بازماندگان سیل اختصاص دهد. باید برای تحمیل این خواستها به حکومت بیشترین اعتراضها را سازمان داد: پرداخت غرامت به خانواده هایی که عزیزانشان را از دست داده اند؛ اسکان دادن بلافاصله همه کسانی که بی خانمان شده اند؛ در اختیار فرادادن امکانات مشاوره برای بازماندگانی که آسیب روحی دیده اند؛ پاکسازی فوری همه مناطق زلزله زده از هزاران تن گل ولای سیل؛ ساختن دوباره و یا تعمیر کامل همه خانه هایی که ویران شده اند؛ تأمین مجدد همه امکانات زندگی که مردم از دست داده اند؛ و تأمین شغل برای همه کسانی که

پشت و پناه رها میشوند. میدانیم که حکومت اسلامی به محض فروکش کردن سیل از یک طرف مردم سیل زده را با وعده های سر خرمن سرگردان نگه میدارد و از طرف دیگر بساط رقابت میان آقازاده ها برای بالا کشیدن پول و ثروت مملکت به نام ساخت و ساز راه می افتد. و دقیقاً به این خاطر بسیار مهم و حیاتی است که مردم دست به کار شوند. متحد و متشکل شوند. دست به اعتراض بزنند و حکومت را زیر شدیدترین و گسترده ترین فشارهای اعتراضی قرار دهند و مجبورش کنند امکانات جامعه را برای بیشترین کمک

تمام میشوند اما آثار و عواقبش سالها و سالها با مردم میمانند. سیل هم بالاخره بند می آید اما علاوه بر انسانهایی که جان عزیزشان را از دست میدهند، صدها هزار انسان بدون کار و درآمد بر جای می مانند که همه امکانات زندگی شان را دست داده اند. سیل بند می آید اما تعداد زیادی زخمی و معلول بر جای میگذارد. سیل بند می آید اما انسانهای زیادی مخصوصاً کودکان وحشت زده ای بر جای میگذارد که بشدت نیاز به مشاوره و درمان دارند. در عین حال از بند آمدن سیل در جنگل جمهوری اسلامی بدون

سیل ویرانگر، حکومتی ویرانگرتر! ادامه از صفحه ۳

فریاد "بیشرف بیشرف" و پرتاب سنگ و اعلام این که همه تون قاچاقچی هستید استقبال کردند. و در همین سیل جاری، ابراهیم رئیسی وقتی گفت که گزارشها را دیده است اما خودش آمده تا خسته نباشید بگه و وعده خانه سازی داد، مردم خشمگین حتی اجازه ندادند جمله اش تمام شود فریاد زدند که خانه نیمخواهند، جنازه عزیزانشان را میخوانند. نقش حکومت اسلامی بعد از سیل: حوادث طبیعی بالاخره

سیاسی و رهبران جنبش های اعتراضی را فرامیخواند که صریح و آشکار در برابر حملات فاشیستی جمهوری اسلامی علیه بهائیان بایستند و هرگونه تعرض به آنان را محکوم کنند، از حقوق شهروندی کامل آنها دفاع کنند و آنان را مورد حمایت بی چون و چرا قرار دهند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ننگ و نابودی بر حکومت مذهبی زنده باد آزادی، برابری، حکومت انسانی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مرداد ۱۴۰۱، ۳ اوت ۲۰۲۲

طریق حمله به بهائیان به کل جامعه و جنبش های اعتراضی حمله میکند. حزب کمونیست کارگری رفتارهای شرم آور و ضد بشری جمهوری اسلامی علیه بهائیان را به شدت محکوم میکند و با تمام قوا برای پایان دادن به جنایت هر روزه علیه آنها مبارزه میکند. این رفتارهای جمهوری اسلامی یکبار دیگر به روشنی نشان میدهد که چگونه حکومت مذهبی کثیف ترین نوع حکومت بورژوازی است و باید تماماً برجسته شود. دولت باید کاملاً از مذهب جدا شود، هرگونه مذهب رسمی لغو شود و آزادی بی قید و شرط مذهب و لامذهبی برقرار شود. مردم ایران، همه فعالین

سرکوب جامعه ایران بوده است. اکنون که کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان و جنبش دادخواهی از همه سو جمهوری اسلامی را در محاصره اعتراض و مبارزه و اعتصابات خود قرار داده اند، جمهوری اسلامی میکوشد با شدت دادن به دستگیری و آزار بهائیان و تخریب خانه های آنها فضای رعب و وحشت ایجاد کند و به همه معترضین یادآور شود که هنوز قدرت جنایت و سرکوب و قصابی دارد. نسبت دادن اتهام "جاسوسی برای اسرائیل" اتهامی که جمهوری اسلامی به بسیاری از فعالین میزند، "رواج بی حجابی" و "نفوذ در مهد کودک ها" به شهروندان دستگیر شده، بخوبی نشان میدهد که جمهوری اسلامی دارد از



بهاثیت هستند به تخریب خانه های آنها پرداخته اند و صحنه هایی آفریده اند که یادآور شنیع ترین برخوردهای فاشیستی و پاکسازی عقیدتی و مایه ننگ بشریت است. آزار و تهدید و دستگیری و شکنجه و اعدام بهائیان جزو همیشگی و سیستماتیک سیاست های جمهوری اسلامی برای بقاء خود و

طی روزهای گذشته جمهوری اسلامی دهها نفر از شهروندان را در چند شهر مختلف به جرم اعتقاد به بهائیت مورد انواع تعرض و توهین و بازداشت و رفتارهای فاشیستی قرار داده است. جمله در روستای روشنکوه در مازندران اوباش جمهوری اسلامی با هجوم وحشیانه به بخشی از مردم این روستا که پیرو

فراخوان به کارزار

"اتحاد علیه سرکوب"



اعتراضات مردمی در شماری از شهرها علیه سونامی گرانی با شعارهای ضد حکومتی در نیمه اردیبهشت ماه، در کنار حضور قدرتمند جنبش های اجتماعی، جنبش سرنگونی علیه حکومت اسلامی را در یک نقطه عطف جدیدی قرار داده است.

نشانه های بارزی از رودرویی قدرتمند مردم با حکومت اسلامی در قامت جنبش های اجتماعی شان در چندین ماه اخیر عبارتند از: تجمعات و اعتصابات با شکوه معلمان در بیش از ۲۰۰ شهر، تبدیل شهرها به صحنه تجمعات و راهپیمایی های هر روزه بازنشستگان با فریاد "مرگ بر این بردگی"، جهانی شدن فریاد دادخواهی خانواده های دادخواه و پیروزی تاریخی این جنبش در محاکمه و محکومیت حمید نوری این جلاّد جمهوری اسلامی و قد علم کردن جنبش رهایی بخش زنان با کارزار "حجاب بی حجاب" در مقابل قشون کثی رژیم آپارتاید جنسی حاکم علیه زنان و کل جامعه تحت عنوان "حجاب و عفاف"، اینها همه اتفاقات شورانگیزی است که ابعادی سازمانیافته تر، قدرتمند تر و عمیق تر به جنبش سرنگونی داده و برآمدی انسانی و امید بخش را در

چشم انداز نزدیک جامعه قرار داده است. در تقابل با این جدال، حکومت اسلامی به سرکوبگری هایش شدت داده است. در این راستا گستاخانه تر از هر وقت به اجرای قوانین جنایتکارانه مجازات های اسلامی رو آورده و بر شمار اعدام ها افزوده است. جنبشهای اجتماعی و بویژه رهبران و اکتیویست های این جنبش ها هدف اول سرکوبگریهای وحشیانه حکومتند. با این سرکوبها حکومت میکوشد جلوی سازمانیابی بیشتر جنبش های اجتماعی و دامنه نفوذ و گسترش آنها را بگیرد و کل جامعه را عقب براند.

روشن است که سرکوبگری های حکومت تمام عرصه های مبارزاتی جامعه را در بر میگیرد و کل جامعه را هدف قرار میدهد. با اتحادی سراسری باید این ابزار را از دست حکومت گرفت. اتحاد جنبش های اجتماعی علیه این سرکوبگری ها پاسخی فوری و حیاتی به این اوضاع است.

جمهوری اسلامی با این سرکوبگری ها بطور واقعی کل جامعه و در عین حال جنبش های قدرتمندی که ستون های محکمی در فضای سیاسی جامعه بوده و بطور واقعی یک رکن مهم جنبش سرنگونی هستند را

نشانه گرفته است. اما نکته شعف آور اینست که امروز بیش از هر زمان وقت جنبش های اجتماعی از جمله جنبش کارگری با بخش های مختلفش، جنبش معلمان، جنبش بازنشستگان، جنبش رهایی بخش زن و جنبش دادخواهی را کنار هم میتوان دید. این جنبش ها در عرصه های مختلف مبارزه صدای اعتراض کل جامعه علیه حکومت سرمایه داری وحشی حاکم هستند و فصل مشترک های بسیاری با هم دارند. این فصل مشترکها را در شعارها و گفتمان های جاری در این جنبش ها، در بیانیه های مشترک آنها در مناسبت های مختلف، در اعلام حمایت کردن ها و پشتیبانی هایشان از خواستها و اعتراضات یکدیگر و در مناسبت های مختلفی چون اول ماه مه ها، روز جهانی زن و در جریان اعتراضات مردمی در سطح جامعه به روشنی شاهد بوده و هستیم. اعتراض به دستگیری ها و پرونده سازهای حکومت علیه فعالین جنبشهای اجتماعی یک وجه مشترک مهم همه این جنبشها و زمینه اتحاد و همگرایی هر چه بیشتر آنها است.

این اتحاد و همگرایی ها زمینه ساز اعتراضات سراسری در سطح جامعه بوده و هست و هر روز حلقه محاصره مردم علیه حکومت را تنگتر و تنگتر کرده است. بازتاب این اوضاع را در تضعیف هر روز بیشتر حکومت و تشدید نزاعهای باندهای مختلف حکومتی به روشنی میتوان دید. از سوی دیگر بی فرجام بودن سیاست های تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه و در سطح جهان، انعکاس وسیعتر اعتراضات مردمی در سطح بین المللی و بویژه جنبش دادخواهی امروز

بیش از هر وقت جمهوری اسلامی را در انزوایی جهانی قرار داده است. این شرایط بیش از پیش بر ممکن بودن و ضروری بودن اتحاد سراسری جنبش های اجتماعی علیه سرکوبگری حکومت تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری همواره بر اتحاد جنبش های اجتماعی بر سر خواستههای مشترک به عنوان یک حلقه مهم در حرکت جامعه بسوی اعتصابات سراسری و عمومی و پیشروی جنبش سرنگونی تاکید کرده است. در شرایط امروز یک گام مهم برای شکل دادن به این اتحاد، متحد شدن همه این جنبش ها علیه سرکوبگری های حکومت است.

بطور واقعی نیز امروز طلایه های این اتحاد را در اعتراض به دستگیرها و علیه امنیتی کردن مبارزات و پرونده سازی های رسوا ونخ نما را میشود دید و معلمان و کارگران پیشتاز این اتحاد مبارزاتی هستند. اتحادی که در اشکال راه اندازی طوفان های توییتری مشترک برای آزادی معلمان و فعالین کارگری زندانی، نامه ها و بیانیه های مشترک خانواده ها، فعالین و تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی علیه سرکوبگری ها و نیز کارزارهای مبارزاتی جاری خود را نمایان کرده است. اتحاد جنبش ها علیه سرکوب باید آگاهانه و نقشه مند به کارزار سراسری جنبش های اعتراض اجتماعی و اکتیویست های آن تبدیل شود. و باید با گفتمان های سراسری ای چون پایان دادن به پرونده سازی ها و امنیتی کردن مبارزات، بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی، ممنوعیت وثیقه، لغو تمامی مجازات های اسلامی و ممنوعیت

شلاق و شکنجه و اعتراف گیری های اجباری و نیز با تاکید بر داشتن حق تشکل، حق اعتراض و حق تجمع به عنوان حقوق پایه ای مردم کارزار سراسری علیه سرکوبگری های حکومت را به جلو برد.

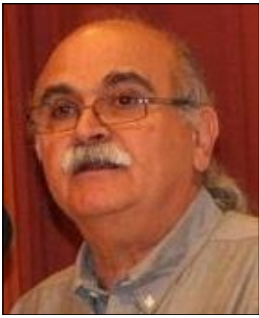
گذاشتن قرارهای مشترک در همراهی با خانواده برای جمع شدن در مقابل زندانها، تبدیل صحنه دادگاهها به صحنه اعتراض علیه سرکوبگری های حکومت، اطلاع رسانی از وضع زندانیان سیاسی و جهانی کردن صدای آنها، صدور بیانیه های جمعی علیه دستگیرها و سرکوبگری های رژیم، پیوستن به کارزارهای مبارزاتی جاری در دفاع از زندانیان سیاسی، وسعت دادن به گفتمان اتحاد جنبش ها علیه سرکوبگری های حکومت و در برابر اجرای مجازات های اسلامی و اعدامها، استفاده از ابزار مدیای اجتماعی برای بسیج اجتماعی علیه سرکوبگریهای حکومت، و پیشبرد این کارزار در سطح بین المللی با گفتمان بایکوت جهانی جمهوری اسلامی بخاطر تمامی جنایاتش از جمله گامهای مهم در کارزار جنبش ها علیه سرکوب است. حزب کمونیست کارگری همه اکتیویست ها و فعالین جنبش های اجتماعی را به محور فعالیت قرار دادن چنین کارزاری فرا میخواند. با به میدان آوردن قدرت همه این جنبش ها میتوان در زندانها را گشود. میتوان ابزار سرکوب را از دست حکومت گرفت و میتوان کل بساط حکومت اسلامی را جارو کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مرداد ۱۴۰۱، ۴
اوت ۲۰۲۲

مستحکم باد پیوند تمام بخشهای طبقه کارگر علیه ستم و تبعیض

علیه پرونده سازی های "موسادی" جمهوری اسلامی

حمید تقوایی



نقد دارید حرف دیگری بزنید. بعنوان مثال نمیتوان گفت جمهوری اسلامی اعضای یک فرقه قومی و یا ناسیونالیست دوآتشه و باند سیاهی را دستگیر کرده است! این، هر نیتی داشته باشید، دفاع از دستگیر شدگان نیست نوعی توجیه و دفاع از دستگیر شدن آنها است! این نوعی قرار دادن مسئولیت دستگیریها و عواقب آن، لاقال بخشا، به دوش سازمان و افراد دستگیر شده است. به این میماند که در بحبوحه یک نبرد در جای سومی بایستید و هم بطرف جمهوری اسلامی شلیک کنید و هم بطرف نیروهای مخالف رژیم! روشن است که این موضع بینابینی تماما به نفع جمهوری اسلامی تمام میشود.

کیوان جاوید: اصلا چطور پای اسرائیل به این ماجرا کشیده شده است؟ دشمن بزرگ آمریکا بود الان چه شرایطی است که پای اسرائیل به این ماجرا باز شده است؟ هدف جمهوری اسلامی چه هست؟

حمید تقوایی: ارزش مصرف این نوع تبلیغات برای رژیم از دو جنبه است. یکی کاربرد استراتژیکی و هویتی و دیگر کاربرد عملی و تاکتیکی در شرایط مشخص امروز.

کاربرد عمومی اش این است که جمهوری اسلامی خودش را حکومت طرفدار "قدس" و علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل معرفی میکنند و با این عنوان سردمدار جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی در منطقه است. از این لحاظ متصل کردن مخالفین به اسرائیل به گمان حکومت برگ محکمی است برای اینکه

ادامه در صفحه ۷

کردستان ایران" اطلاعیه داده است که چهار نفر از پیشمرگانش دستگیر شده اند. هر نیروی سیاسی مسئول و جدی ای در اعتراض به این دستگیریها باید همین اسم را بکار ببرد.

غیرمسئولانه دارد و یا دارند ماجراجویی میکنند یا باندسیاهی و فرقه قومی هستند و غیره. اینها را بعنوان نیروهای مخالف خود دستگیر میکند تا از همه نیروهای اپوزیسیون و از کل جامعه بپاخاسته و

خشم و نفرت و اعتراض کل جامعه روبرو است که تنها راهی که میتواند لاقال امام جمعه ها و اوباش خودش را توجیه کند و سرخط نگهدارد، وصل کردن مخالفین و معترضین به توطئه های "دشمنان"

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با تلویزیون کانال جدی

کیوان جاوید: اخیرا چهارنفر از نیروهای پیشمرگ حزب کومله در آذربایجان غربی دستگیر شده اند و جمهوری اسلامی فوراً اعلام کرده است که اینها از طرف موساد ماموریت داشتند و ماموران اسرائیل هستند که میخواستند در خاک ایران عملیات نظامی انجام بدهند و این حزب با اسرائیل در تماس است. کل این ماجرا چه هست و چطور این را بررسی میکنند؟

حمید تقوایی: این اتفاق است در چارچوب سیاستهای جمهوری اسلامی برای لجن پاشی و پرونده سازی علیه مخالفین. علیه همه مخالفین چه نیروهایی که در کردستان فعالند و چه در سراسر ایران و چه مردم عادی. جمهوری اسلامی وقتی معلمان را دستگیر میکند و یا بازنشستگان و کارگران را دستگیر میکند، فعالین علیه حجاب را و حتی مردم عادی در تظاهرات خیابانی را دستگیر میکند، بنحوی پرونده شان را به "دشمن خارجی" مربوط میکند و ادعا میکند با اسرائیل و آمریکا رابطه داشتند و نظایر آن. همین ترفند را دارد در مورد یک نیروی اپوزیسیون در کردستان بکار میبرد. تا آنجا که من بخاطر دارم این اولین بار است که حکومت در کردستان هم فعالیتهای پیشمرگان و یا نیروهای سیاسی مخالف را به اسرائیل منسوب میکند. این بخشی از سیاست سرکوب حکومت است و بنظر من اساس این نوع تبلیغات و ادعاها هم از استیصال و درماندگی حکومت ناشی میشود. بخاطر اینکه چنان با موج

من فکر میکنم نقد یک نیروی سیاسی در شرایطی که تحت تعرض جمهوری اسلامی قرار گرفته است یکی از غیر اصولی ترین و غیرمسئولانه ترین سیاست هاست. حزب ما در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه رژیم بعنوان مدافع و نماینده همه نیروهای درگیر مبارزه با جمهوری اسلامی و بعنوان مدافع همه دستگیرشدگان و قربانیان حکومت ظاهر میشود. کمپین شارمهد یک نمونه است. چندی قبل، از همین حزب عبدالله مهدی افرادی را دستگیر و محکوم به اعدام کرده بودند و ما از آنها قاطعانه دفاع کردیم. اینجا هم همینطور است. بنظر من حزب ما و هر حزب اپوزیسیون مسئولی که واقعا علیه جمهوری اسلامی دارد میجنگد وظیفه اش این است که بی قید و شرط خواهان آزادی این چهار نفر بشود بدون اینکه بحث اشتباه سازمان مربوطه یا غیرمسئول بودن جریان مهدی و غیره را به میان آورد. ضعفها و اشکالات، و انتقادات نیروهای اپوزیسیون به یکدیگر ربطی به حکومت ندارد. حکومت میخواهد تیغ بکشد بروی همه جامعه و همه فعالین و شما باید از همه آنها دفاع کنید.

خیلی از نیروهای دیگر مردم کردستان زهر چشم بگیرد. مستقل از اینکه سیاستهای سازمانی که مورد تعرض حکومت قرار گرفته چقدر مسئولانه است و چقدر قابل نقد است و چقدر مورد قبول ما هست و یا نیست، باید تعرض جمهوری اسلامی را بدون قید و شرط محکوم کرد. اطلاعیه سازمان کردستان حزب هم بر مبنای همین سیاست نوشته شده. این نکته را هم بگویم حتی سر اسم این سازمان هم عده ای بحث میکنند که چرا گفتید حزب کومله کردستان ایران؟ این باند سیاه است، این یک فرقه است و سازمان زحمتکشان است و غیره. جواب ما ساده است. سازمانی با امضای "حزب کومله

در این مورد معین بویژه از مردم کردستان زهر چشم بگیرد. مستقل از اینکه سیاستهای سازمانی که مورد تعرض حکومت قرار گرفته چقدر مسئولانه است و چقدر قابل نقد است و چقدر مورد قبول ما هست و یا نیست، باید تعرض جمهوری اسلامی را بدون قید و شرط محکوم کرد. اطلاعیه سازمان کردستان حزب هم بر مبنای همین سیاست نوشته شده. این نکته را هم بگویم حتی سر اسم این سازمان هم عده ای بحث میکنند که چرا گفتید حزب کومله کردستان ایران؟ این باند سیاه است، این یک فرقه است و سازمان زحمتکشان است و غیره. جواب ما ساده است. سازمانی با امضای "حزب کومله

است. همین کار را الان دارد در مورد نیروهای سیاسی در کردستان انجام میدهد. **کیوان جاوید:** کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری اطلاعیه ای داده است و جمهوری اسلامی را محکوم کرده است اما افراد و احزاب و سازمانهایی هم هستند که سیاستهای غیرمسئولانه همین حزب کومله وابسته به عبدالله مهدی را باعث کشته شدن و به کشت دادن این جوانها میدانند. شما این سیاستها را چطور توضیح میدهید؟

حمید تقوایی: به نظر من باید بدون قید و شرط و بدون لکننت زبان جمهوری اسلامی را محکوم کرد. ببینید جمهوری اسلامی اینها را دستگیر نکرده است چون سازمانشان سیاستهای

علیه پرونده سازی های "موسادی" جمهوری اسلامی

حمید تقوایی

ادامه از صفحه ۶
صفوف خودش و اوپاش حکومتی، امام جمعه ها و غیره و همچنین جنبش اسلام سیاسی در خارج از ایران را بسیج کند و اینطور وانمود کند اگر اعتراضی در ایران علیه من هست بخاطر توطئه های موساد و اسرائیل است. این وصل کردن معترضین به دشمن خارجی تر فند "کلاسیک" همه حکومت های دیکتاتور و سرکوبگر است و جمهوری اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست.

نکته دوم این است که در چند ماه اخیر بارها شاهد بوده ایم که مقامات هسته ای جمهوری اسلامی و سرداران سپاه بوسیله نفوذی های اسرائیل ترور شده اند. از این نظر جمهوری اسلامی رسوایی بعد از رسوایی داشته است. معلوم میشود که نیروهای اسرائیلی و یا سازمان موساد تا کنه سازمان های اطلاعاتی جمهوری اسلامی نفوذ کرده اند، اطلاعات دقیقی دارند و عملیات موفقیت آمیزی انجام میدهند. از این جهت هم حکومت میخواهد ادعا کند که ببینید من هم دارم توطئه های اسرائیل را کشف میکنم، من هم دارم توطئه های آنها را خنثی میکنم و از این طریق میخواهد رسوایی های پی در پی خود را به نوعی رفع و رجوع بکند. متوسل شدن به این نوع پرونده سازیها علیه یک نیروی اپوزیسیون در کردستان نشانه آنست که کفگیر تبلیغات جمهوری اسلامی به ته دیگ خورده است.

کردستان سابقه طولانی مبارزه مسلحانه و اعتراضات توده ای و اجتماعی علیه جمهوری اسلامی دارد و تنفر و خشم مردم در کردستان علیه رژیم از همان بدو روی کار آمدن این حکومت بسیار گستره و توده ای بوده است. از سوی دیگر جامعه کردستان در مقایسه با بقیه مناطق ایران متحزب تر و متشکل تر است. با توجه به این شرایط جامعه کردستان این ادعا که پیشمرگه های دستگیر شده و وابسته به موساد و اسرائیل بوده اند پوچ تر و توخالیتر از آنست که حتی نیروهای طرفدار حکومت را هم بتواند قانع کند. رژیم به گمان خودش دارد یک جبهه تبلیغی تازه علیه مردم معترض و سازمانها با هدف لجن پراکشی به احزاب و جنبش های اعتراضی در کردستان باز میکند اما این یک تف سربالاست. این تلاش همانطور که گفتم تلاشی است از سر استیصال و زبونی حکومت.

کیوان جاوید: سیاست های سازمانی که دستگیر شده اند شدیداً مورد نقد حزب کمونیست کارگری بوده و هست اما بدون قید و شرط از این دستگیرشدگان حمایت میکند. شما هیچ نقدی روی آن سیاست های حزب کومله ندارید؟ و نباید در دفاعتان از دستگیر شدگان اینرا وارد میکردید؟

حمید تقوایی: بنظر من نباید وارد میکردیم. نقد ما به سازمان و جریان عبدالله مهتدی بارها اعلام شده و سر جای خودش هست ولی در رویارویی با حکومت در اعتراض به این دستگیریها این انتقادات را وارد نمیکنیم و نباید بکنیم. کلا در مقابله با موارد مشخص دستگیری و پرونده سازی جمهوری اسلامی علیه اعضای یک نیروی سیاسی جای نقد آن نیرو نیست. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. در حالی که جمهوری اسلامی دارد برای چهار پیشمرگه ای که دستگیر کرده پرونده سازی امنیتی-

موسادی میکند، که همه میدانیم زمینه سازی برای بره انداختن محاکمات فرمایشی. و چه بسا شو تلویزیونی و ندامت و اعتراف گیری و صدور احکام اعدام و غیره است، هر نیروی سیاسی مسئولی موظف است قاطعانه در برابر این تلاشهای حکومت بایستد و بکوشد آنها خنثی کند. در این شرایط نقد نیروی مورد تعرض قرار گرفته هم از نظر سیاسی و هم از نظر انسانی خطای فاحشی است که در خدمت توجیه سیاست های حکومت عمل میکند. شما هر نقدی که در این شرایط طرح کنید، هر نیتی داشته باشید، دارید عملاً به نفع جمهوری اسلامی کار میکنید و جمهوری اسلامی از این استفاده میکند. فی الحال کرده است. کسانی هستند که الان در دل همین ماجرا شروع کرده اند به نقد و افشای سازمان باند سیاهی مهتدی و حمله به این سازمان. برخی هم مسئولیت دستگیریها را تقسیم میکنند و میگویند هم جمهوری اسلامی محکوم است و هم باند مهتدی. روشن است که جمهوری اسلامی میپرد روی این اسب و میگوید ببینید خودشان دارند میگویند کار این دستگیرشدگان اشتباه بوده، ماجراجویانه و غیر مسئولانه بوده، اعضای یک سازمان باند سیاهی و غیر مسئول بوده اند و لذا ما حق داریم آنها را دستگیر و محاکمه کنیم. الان سایت آکام نیوز دارد عیناً همین کار را میکند.

روشن است که نباید در نقد راست روی ها و سیاست های ناسیونالیستی و قوم پرستانه حزب کومله و در نقد شیوه های غیر مسئولانه و ماجراجویی های این سازمان و یا هر حزب و سازمان دیگری در اپوزیسیون یک ذره تخفیف داد و ما همیشه بی تخفیف نقد کرده ایم. در نقد جریان راست، ناسیونالیسم قومی در کردستان مثل جریان اوجالان و آپوئیسیم و غیره،

در نقد سلطنت طلبان، در نقد ناسیونالیسم فارس و استراتژی و سیاستهایشان ما پرونده روشنی داریم و در عین حال در دفاع فعال از همه دستگیرشدگان و محکوم به اعدامی ها به هر سازمانی که متعلق باشند هم کارنامه پربار و افتخارآمیزی داریم. جمهوری اسلامی به هر یک از این نیروها تعرض کند ما با تمام قوا علیه حکومت می ایستیم. من فکر میکنم این سیاست و رفتار مسئولانه است، این شیوه رادیکال است و غیر از این اگر باشد شما جمهوری اسلامی را نه تنها از زیر تیغ حمله بدر برده اید بلکه خواه ناخواه زمینه ساز سیاست های سرکوبگرانه اش شده اید.

کیوان جاوید: یک کمپینی که در حال حاضر مینا احدی اعلام کرده است در دفاع از آقای جمشید شارمهد است که جمهوری اسلامی او را هم مامور موساد و غیره قلمداد کرده و خطر اعدام بالای سر او است. مینا احدی از آزادی این شخص که سلطنت طلب است بی قید و شرط دفاع میکند. بنابراین این سیاست حزب تنها مختص این مورد معین دستگیری پیشمرگه ها نیست. آیا حزب کمونیست کارگری با این سیاست که از هر فعال سیاسی که دستگیر میشود از سلطنت طلب، از جریان مهتدی و از راست و چپ بدون قید و شرط فاع میکند، اصول حزبی اش را زیر پا نمیگذارد؟

حمید تقوایی: بگذارید بگویم اصول حزبی ما چه هست. یک اصل حزب ما این است که در مبارزه رودر رو با جمهوری اسلامی ما خود را نماینده جامعه می بینیم و حامی همه اکتیویستهای هستیم که علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکنند. روشن است که به سیاست های بسیاری از احزاب اپوزیسیون نقد داریم، به شیوه هایشان نقد داریم و نقدمان را هم صریح و روشن بارها مطرح کرده

ایم. ولی نقد ما به دیگر نیروها، نه تهاجم حکومت به آنها را ذره ای توجیه میکند و نه در مقابله ما با این سرکوبگریها ذره ای تخفیف میدهد.

من فکر میکنم نقد یک نیروی سیاسی در شرایطی که تحت تعرض جمهوری اسلامی قرار گرفته است یکی از غیر اصولی ترین و غیرمسئولانه ترین سیاست هاست. حزب ما در مقابل سیاست های سرکوبگرانه رژیم بعنوان مدافع و نماینده همه نیروهای درگیر مبارزه با جمهوری اسلامی و بعنوان مدافع همه دستگیرشدگان و قربانیان حکومت ظاهر میشود. کمپین شارمهد یک نمونه است. چندی قبل، از همین حزب عبدالله مهتدی افرادی را دستگیر و محکوم به اعدام کرده بودند و ما از آنها قاطعانه دفاع کردیم. اینجا هم همینطور است. بنظر من حزب ما و هر حزب اپوزیسیون مسئولی که واقعا علیه جمهوری اسلامی دارد میجنگد وظیفه اش این است که بی قید و شرط خواهان آزادی این چهار نفر بشود بدون اینکه بحث اشتباه سازمان مربوطه یا غیرمسئول بودن جریان مهتدی و غیره را به میان آورد. ضعفها و اشکالات، و انتقادات نیروهای اپوزیسیون به یکدیگر ربطی به حکومت ندارد. حکومت میخواهد تیغ بکشد بروی همه جامعه و همه فعالین و شما باید از همه آنها دفاع کنید.

کیوان جاوید: چه اقدامات خاصی در مورد همین موضوع مشخص میشود در دستور گذاشت؟

حمید تقوایی: تا جایی که به حزب ما مربوط میشود ما به هر نحوی که میتوانیم برای آزادی این چهار نفر تلاش خواهیم کرد. از هر چیز گذشته مساله جان و زندگی چهار جوانی که هیچ جرمی نکرده اند مطرح است. باید با تمام قوا جلوی این جنایت



نامه به دولت‌ها و سازمانها

شیوا محبویی
سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران



مذاکره دیگری باید شامل فشار بر رژیم اسلامی ایران برای برآوردن خواسته‌های زیر باشد:

- سرکوب اعتراضات در ایران را متوقف کنید
- تمام فعالان حقوق زنان، از جمله بازداشت شدگان اخیر مخالف حجاب، باید آزاد شوند و اتهامات باید فوراً و بدون قید و شرط لغو شود.
- نمایندگان رژیم اسلامی باید از کمیسیون سازمان ملل متحد در مورد وضعیت زنان اخراج شوند. جای سوال است که سازمان ملل اجازه داده و تایید کرده است که رژیم اسلامی ایران در این کمیسیون قرار گیرد. این پذیرش رسمی از سوی سازمان ملل در حالی صورت می‌گیرد که شواهد شناخته شده و مستندی وجود دارد مبنی بر آپارتاید جنسیتی، جنایت علیه زنان، قوانین زن ستیز و سرکوب زنان که به مدت 43 سال توسط رژیم اسلامی ایران تحمیل شده است.

شیوا محبویی
سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

ویدئوهای متعددی از زنانی که هنگام راه رفتن در خیابان‌های مختلف ایران حجاب شان برداشته بودند در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. رژیم دست به سرکوب این معترضان زد، ده‌ها زن را دستگیر کرده و آنها را به "رفتار غیر اخلاقی" متهم کرده است. برخی از این زنان در برابر دستگیری مقاومت کردند و به طرز وحشیانه‌ای توسط مأمورین گشت ارشاد از خیابان به زور به داخل ماشین پلیس برده شدند. ده‌ها زن بازداشت شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به سپیده رشنو، ملیکا قراگوزلو، دانشجوی دانشگاه، سوری بابایی چگینی فعال حقوق مدنی و نازی زندیه، دانشجوی دانشگاه اشاره کرد.

انند. زنان در ایران به مدت 43 سال مورد سرکوب و تبعیض رژیم اسلامی در ایران بوده‌اند. در طول بیش از چهار دهه گذشته، زن ستیزی، آپارتاید جنسیتی و خشونت علیه زنان توسط رژیم اسلامی به طور سیستماتیک و قانونی بوده است. حقوق اولیه زنان هر روز توسط رژیم ایران مورد حمله خشونت آمیز قرار گرفته است. کسانی که جرات مخالفت با تبعیض را دارند مورد آزار و اذیت، دستگیری، زندان، شکنجه و حتی اعدام قرار می‌گیرند. علیرغم تمام سرکوب‌های وحشیانه و مستمر حقوق زنان توسط رژیم در ایران، زنان تسلیم نشده‌اند و به طور خستگی ناپذیر و پیوسته برای حقوق خود مبارزه کرده‌اند. بسیاری از مدافعان حقوق زنان در حال حاضر در زندان هستند و مورد شکنجه جسمی و روانی، آزار جنسی و حتی تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. این زنان از درمان پزشکی، و در بستری مواقع داشتن وکیل و ملاقات خانواده محروم هستند.

اتحادیه اروپا، سازمان ملل و دولت‌ها در سراسر جهان نباید چشم خود را بر وضعیت فعالان حقوق زنان زندانی در ایران ببندند. هرگونه مذاکره با رژیم اسلامی ایران چه بر سر برنامه هسته‌ای و چه هر

رژیم اسلامی ایران را به دلیل جنایت علیه زنان تحریم کنید

یک هنرمند و نویسنده 28 ساله ایرانی به اتهام مخالفت با حجاب بازداشت شد. او شکنجه و وادار به اعتراف تلویزیونی شد

سپیده رشنو، هنرمند و نویسنده 28 ساله ایرانی به دلیل برداشتن حجابش در اتوبوس و صحبت علیه حجاب بازداشت شد. او ابتدا به یکی از بازداشتگاه‌های سپاه پاسداران منتقل شد و مجبور به «اعتراف» تلویزیونی شد. شکنجه زندانیان برای اعتراف اجباری روش رایجی است که رژیم در ایران برای وادار کردن زندانیان به اعترافات دروغین استفاده می‌کند تا اعدام محکوم کند. سپیده در حال حاضر در بازداشتگاه نامعلومی به سر می‌برد و از ملاقات با خانواده و یا حق داشتن وکیل محروم است.

اگرچه زنان در 43 سال گذشته در ایران از حجاب اجباری سرپیچی کرده‌اند، اما اعتراضات اخیر علیه حجاب از زمانی آغاز شد که رژیم اسلامی در ژوئیه 2022 "روز ملی حجاب و عفاف" را اعلام کرد. گشت ارشاد رژیم اسلامی شروع به آزار و اذیت و دستگیری زنان معترض به حجاب در خیابان کرد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بیانیه‌ای را در محکومیت دستگیری معترضین به حجاب و دستگیری و شکنجه سپیده رشنو صادر کرده و به سازمان ملل، دولت‌های اروپایی، کانادا، آمریکا و نیوزیلند ارسال داشت. این نامه همچنین به مردم و سازمانها و از احزاب ارسال شده و از مردم دعوت شد تا با ارسال نامه به سازمان ملل و کمیسیون زنان آن، دولت‌های خود و همینطور رژیم اسلامی، خواستار آزادی دستگیر شدگان شده و در سطح بین المللی خواستار بایکوت رژیم اسلامی شوند.

ترجمه نامه در زیر می‌باشد. شما نیز می‌توانید با استفاده از آدرس‌های ذکر شده در نامه، به سازمان ملل و کمیسیون سازمان ملل در مورد وضعیت زنان خواستار آزادی این فعالین و همچنین خواستار بایکوت جهانی رژیم اسلامی شوید.

متن انگلیسی نامه:
<https://wp.me/p9yWrK-30j>

ترجمه فارسی بیانیه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

اینست که برای آزادی این دستگیر شدگان فعالانه بکوشند.

۳ اوت ۲۰۲۲
با تشکر از امیر توکی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه

شرط خواهان آزادی این چهار نفر بشوند. اینها هیچ گناهی ندارند، هیچ جرمی نکرده‌اند و باید فوراً و بی قید و شرط آزاد بشوند. حزب ما به سهم خود کارزاری را با این هدف سازمان خواهد داد و توصیه من به همه نیروهای اپوزیسیون

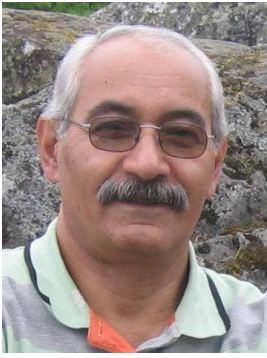
نیروهای مخالفش در کردستان و در هر جای ایران آسان نباشد. ما با تمام قوا برای این میکوشیم و فراخوان من به همه نیروهای اپوزیسیون اینست که مستقل از هر نقدی که به یکدیگر دارند در این نبرد علیه جمهوری اسلامی بایستند و بی قید و

اسرائیل و آمریکا و وابسته وانمود کردن همه مخالفینش به دشمن خارجی. ما باید بویژه در رابطه با کردستان از همین قدم اول این سیاست را خنثی کنیم، و کاری نکنیم که از این به بعد برای حکومت دستگیری و پرونده سازی علیه

ادامه از صفحه ۷
را گرفت. علاوه بر این جنبه انسانی، از لحاظ سیاسی نیز حکومت میخواهد در برخورد به نیروهای مخالفش در کردستان همان سیاستی را به پیش برد که در سراسر ایران دنبال میکند یعنی پرونده سازی رابطه با

بن بست سیاسی در عراق و انزوای بیشتر رژیم اسلامی

عبدل گلپریان



مقطع انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ در زندان بسر می برند، در میان جمعیت و ظاهرا در حمایت از مقتدی صدر حضور پیدا کرده و خواهان آزادی فرزندانشان از زندان هستند. آنچه که بیشتر از هر چیزی در این نمایش و عرض اندام صدر و رقیبان او در ائتلاف "چهارچوب هماهنگی" مشاهده

میشود، انزوای بیشتر نیروهای این ائتلاف و موج ناراضی علیه حضور جمهوری اسلامی در عراق است. در روزهای اخیر فایل صوتی جلسه ای محرمانه با شرکت گروههای این ائتلاف منتشر شد که در آن نوری مالکی و برخی دیگر از سران این ائتلاف مواضع دوگانه ای در مقابل نیروهای رژیم اسلامی اتخاذ کرده اند. در این فایل صوتی از عدم مشروعیت جریان دست ساز حشد الشعبی وابسته به رژیم اسلامی سخن به میان آمده است. این در حالی است که مقتدی صدر از انحلال حشد الشعبی و ادغام آن در ارتش عراق سخن به میان آورده بود.

بن بست و بحرانی که این روزها و بویژه از ده ما قبل به این سو بعد از انتخابات پارلمانی در عراق ایجاد شده است، ریشه در حرکت انقلابی مردم عراق در سال ۲۰۱۹ دارد که به انقلاب اکتبر معروف است. در جریان اعتراضات و تجمعات میلیونی مردم

خود از این مانور را اینگونه بیان کرد: "من برای خدا، دین و مملکت تلاش میکنم و در مقابل مردم و کشور آماده فدا کردن جان خود هستم. انجام اصلاحات امر من است و فاسدان باید از پارلمان و حکومت کنار بروند. به شیوه ای دموکراتیک باید انتخابات پارلمانی مجدد و پیش از موعد برگزار شود و ما خواهان اصلاحات هستیم. باید تا رسیدن به این خواست ها تحصن همچنان در اطراف پارلمان ادامه داشته باشد."

در حال حاضر حدود نزدیک به چهار هزار نیروی مسلح حکومتی در اطراف پارلمان مستقر هستند و عملا از طرفداران صدر حمایت می کنند. علاوه بر این نیروهای مسلح جریان صدر بنام "سرایا سلام" نیز در اطراف پارلمان مستقر هستند و بنا به فراخوان صدر طرفداران او از شهرهای دیگر، نجف، کربلا و کوت به بغداد آمده و به جمع تجمع کنندگان پیوسته اند.

در تحویلی دیگر روز چهارشنبه وزیر امنیت عراق با سفیر آمریکا ملاقاتی انجام داده و در رابطه با اوضاع بحرانی عراق با او گفتگو کرده است.

مسئله قابل توجه دیگر این است که خانواده زندانیان سیاسی که از

خود را تشویق کرد که وارد منطقه سبز بغداد شده و کنترل پارلمان را در اختیار بگیرند. در واکنش به اشغال پارلمان از سوی نیروهای جریان صدر، ائتلاف چارچوب هماهنگی نیز به طرفداران خود پیام داد که برای تقابل با نیروهای صدر به میدان بیایند. خزعلی از افراد ائتلاف به نیروهایش دستور داد که وارد این کارزار نشوند و متعاقبا نوری مالکی و دیگر سران ائتلاف نیروهایشان را از منطقه خارج کردند. این مانورها در اصل نمایش قدرتی از سوی طرفهای درگیر بود.

در آخرین تحول پیرامون این صف آرایی، مقتدی صدر از هوادارن خود خواست محوطه پارلمان را ترک کنند و فعلا در اطراف آن حضور داشته باشند. او به طرفداران خود پیام داده است که روز جمعه پنجم اوت با برگزاری نماز در اطراف محوطه پارلمان همچنان حضور داشته باشند. از سوی دیگر نچيروان بارزانی رئیس حکومت اقلیم کردستان پیشتر از سران گروههای درگیر خواسته بود که برای حل این بحران به اربیل بروند و اختلافات خود را بر سر میز مذاکره حل کنند.

روز چهارشنبه سوم اوت مقتدی صدر در یک پیام تلویزیونی هدف جریان

احزاب و جریانات اسلامی قومی در حکومت عراق امیدوار بودند که بعد از انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱ و بعد از گذشت ده ماه از آن، طبق روال همیشگی با تقسیم پست های حکومتی و کرسی های پارلمان برای غارت هستی مردم تکیه زنند. بعد از اینکه نمایندگان جریان مقتدی صدر برای تعیین رئیس جمهور، نخست وزیر و کابینه دولت حد نصاب لازم را با جریانات سنی و حزب دمکرات کردستان عراق بدست نیاوردند بطور دسته جمعی از پارلمان استعفا دادند و تعیین رئیس جمهور، نخست وزیر و کابینه دولت را به جناحهای رقیب سپردند. اما این یک تاکتیک برای تشدید اختلافات در میان آنها و به شکست کشاندنشان بود. احزاب و گروههای ائتلافی در "چهارچوب هماهنگی" علاوه بر اینکه اختلافات عمیقی در میان خود دارند در عین حال به این واقف بودند که بدون رضایت جریان مقتدی صدر آنان قادر به پیش برد پروسه تعیین نخست وزیر، رئیس جمهور و کابینه دولت نخواهند شد.

بعد از اینکه ائتلاف "چهارچوب هماهنگی"، محمد الشیاع سودانی را به عنوان نامزد پست نخست وزیری معرفی کرد، مقتدی صدر در مخالفت با آن هواداران

عراق در اکتبر ۲۰۱۹، مردم عراق سه خواست محوری را در شعارهایشان به میدان آوردند. یکم خواهان خروج تمام نیروها و دارودسته های رژیم اسلامی ایران از عراق شدند، دوم خواستار انحلال پارلمان و برقراری حکومتی سکولار و غیر دینی شدند و سوم بر تامین رفاه، امنیت و حقوق برابر شهروندان پای فشردند. در جریان حرکت انقلابی مردم عراق در اکتبر ۲۰۱۹ که چندین ماه ادامه داشت و سپس به دلیل شیوع ویروس کرونا بتدریج فروکش کرد، جریان مقتدی صدر نیز از سوی مردم انقلابی عراق مورد تعرض و حمله قرار داشت و در کربلا، نجف، بغداد و چند شهر دیگر همزمان با به آتش کشیدن مراکز و کنسولگری های رژیم اسلامی دفاتر جریان صدر را نیز تظاهرات کنندگان به آتش کشیدند.

بعد از انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱ که جریان صدر بیشترین کرسی های پارلمان را با شرکت تنها ۳۰ درصد از رای دهندگان بدست آورد، این جریان ادامه در صفحه ۱۰

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سردبیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه
انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

internasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.
فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiiran
اینستاگرام حزب: www.instagram.com/wpi91
تلگرام حزب: telegram.me/wpi_hkkl
وبسایت: www.wpiiran.org

بن بست سیاسی در عراق و انزوای بیشتر رژیم اسلامی

عبدل گلپریان

ادامه از صفحه ۹
جان تازه ای گرفت. جریان صدر از یک سو با تلاش برای سوار شدن بر خشم و اعتراض مردم علیه حضور رژیم اسلامی در عراق و از سوی دیگر بی اعتبار شدن جریان‌های طرفدار رژیم اسلامی در این کشور، تلاش می کند موقعیت خود در حکومت عراق را محکم کند. مقتدی صدر با بکار بردن واژه هایی چون "دمکراسی"، "ملت عراق"، "انجام اصلاحات"، "ملی گرایی" و غیره، تلاش می کند چهره ای میانه رو در قامت ناسیونالیسم عراقی که گویا علیه فساد است به خود بگیرد. تکرار مکرر این عبارات تا حدی سبب شده که بخش متوهم جامعه عراق را نیز بدرجه ای به دنبال خود روان کند.

روند اوضاع و تحولات در عراق قابل پیش بینی نیست اما شواهد امر نشان می دهد که نفوذ و پایگاه رژیم اسلامی در عراق نه تنها از بین رفته است بلکه احزاب و گروههای متشکل در ائتلاف "چهارچوب هماهنگی" نیز اختلافات زیادی با هم دارند. و عملاً در میان آنها شکاف ایجاد شده. تمام احزاب و نیروهای پارلمانی شیعی در عراق این را به خوبی می دانند تا زمانیکه عوامل و نهادهای سیاسی و نظامی رژیم اسلامی در عراق حضور داشته باشند، نمی توان از کمترین ثبات و آرامش در عراق سخن گفت.

مقتدی صدر با تکیه بر تقابل با حضور رژیم اسلامی در عراق، تا حدی توانسته است موقعیت

برتری نسبت به دیگر احزاب و نیروهای پارلمانی بدست آورد. همسویی ارتش و نیروهای مسلح از طرفداران صدر، مواضع میانی و بینابینی احزاب بیرون از "چهارچوب هماهنگی" و حتی سمپاتی برخی از احزاب درون ائتلاف چهارچوب هماهنگی نظیر خزعلی و سیستانی از صدر و از سوی دیگر سیاست آمریکا در قبال این اوضاع همگی گواه بر این دارد که حکومت اسلامی در عراق در وضعیت شکننده ای قرار گرفته و نیروهای زیادی تلاش میکنند بطور کلی این حکومت و وابستگیانش خنثی و بتدریج از عراق بیرون رانده شوند. اکنون جریان صدر با نمایش قدرت در خیابان و تصرف پارلمان عراق اعتماد بنفوس بیشتری پیدا کرده و نه تنها حاضر به هیچ گفتگویی با ائتلاف چهارچوب هماهنگی نیست بلکه خواهان انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات مجدد و زودرس

میباشد. با توجه به اوضاع و تحولات کنونی، اگر پارلمان منحل شود و انتخابات مجدد صورت بگیرد، جریان صدر به احتمال زیاد موقعیت مناسب تری از شرایط کنونی با بیشتر از ۷۳ کرسی کنونی در پارلمان بدست خواهد آورد و می تواند ادعا کند که قانوناً و رسماً یکه تاز حاکمیت در عراق خواهد بود.

در رابطه با انتخابات پارلمانی زودرس نیز جریان نوری مالکی در ائتلاف چهارچوب هماهنگی اعلام کرده است که در نشست این ائتلاف در رابطه با آن نظر و تصمیم خود را اعلام خواهند کرد. بنا به آخرین خبرها بخش زیادی از ائتلاف چهارچوب هماهنگی از جمله نوری مالکی گفته اند اگر قرار باشد انتخابات پارلمانی مجدد اوضاع را آرام و به این تنشها پایان دهد آماده پذیرش آن هستند. تصمیم چهارچوب هماهنگی و اظهارات نوری مالکی گویای ضعف و عقب نشینی آنان و نشتت

و چند دستگی در این ائتلاف است. این یعنی ضربه ای دیگر به موقعیت رژیم اسلامی در عراق.

مبارزه مردم عراق برای برقراری جامعه ای آزاد، برابر و حاکمیتی سکولار و غیر دینی که پاسخگوی رفاه، امنیت و سعادت مردم عراق باشد روی تمام جریان‌های قومی و مذهبی فشار گذاشته است و بدون شک مجدداً سر بلند خواهد کرد. جریان اسلامی مقتدی صدر فعلاً بدرجه ای بر مود نارضایتی مردم سوار شده است. با کاهش بحران و بن بست در میان احزاب و نیروهای حاکم بر عراق، با برگزاری انتخابات پارلمانی زودرس دیگر و با اندکی متعارف شدن اوضاع پر التهاب کنونی، بی تردید خواستهای انقلاب اکثر مجدداً به میدان خواهد آمد که از جریان صدر گرفته تا دیگر دستجات فاسد و اسلامی کنونی ربطی به آن ندارند.

اطلاعیه انقلاب زنانه در محکومیت شکنجه سپیده رشنو

در تاریخ ۸ مردادماه ویدیویی از اعترافات اجباری سپیده رشنو در برنامه امنیتی ۲۰:۳۰ صدا و سیما منتشر شد که در این ویدئو آثار شکنجه روی صورت سپیده رشنو زنی که در اتوبوس بی آرتی با ریجانه ربیعی مامور حکومت بر سر حجاب درگیر شد، مشخص بود. آخرین خبری که ۱۳ مرداد در مورد سپیده رشنو درز کرد گویای این بود که سپیده رشنو در تاریخ ۳۰ تیر توسط ماموران امنیتی به بیمارستان طالقانی منتقل شده زیرا خطر خونریزی داخلی بر اثر ضرباتی که زیر شکنجه

انقلاب زنانه توحش افسار گسیخته حکومت

زنانه علیه حجاب و عفاف و قوانین اسلامی تبدیل شد. ما زنان و مردان آرام نمی نشینیم و سپیده را تکثیر میکنیم تا ظلم حکومت را بر سرش آوار خواهیم کرد.

انقلاب زنانه از تمام انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، از همه زنان پیشرو، از همه فعالین حقوق زن و دیگر جنبشهای اعتراضی از جمله دانشجویی و کارگری میخواهد با اعتراض های جانیه خود، با بیانیه های مشترک و محکوم کردن بازداشت و شکنجه سپیده رشنو، خواستار آزادی او شوند.

انقلاب زنانه از تمام سازمانهای بین المللی مدافع حقوق انسانی میخواهد که با تمام توان و امکانات و با جدیت هر چه سریعتر و فوراً اقدامات

علیه سپیده رشنو و شکنجه این زن را به شدت محکوم میکند و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط اوست. سپیده فوراً باید برای درمان به بیمارستان منتقل شود. جان سپیده رشنو برای ابتدایی ترین و بدیهی ترین حق خود یعنی آزادی پوشش در خطر است و با توجه به سابقه ی جمهوری اسلامی پیش بینی میشود که هر لحظه متحمل شکنجه میشود. حکومت جمهوری اسلامی با شکنجه های جسمی و روانی سپیده رشنو در پی زهر چشم گرفتن از زنان و در پی قدرت نمایی و نمایش اقتدار است. اما انقلاب زنانه اعلام میدارد شکنجه سپیده رشنو برای حکومت بسیار گران تمام خواهد شد و از طرف جامعه بی پاسخ نخواهد ماند. سپیده به نمادی از اعتراض و نمادی از انقلاب

لازم برای آزادی فوری و بی قید و شرط سپیده رشنو در اولویت و دستور کار خود قرار دهند. انقلاب زنانه بایکوت جمهوری اسلامی را امری ضروری و فوری برای مبارزه مردم ایران و در صف مقدم زنان در راستای سرنگونی این حکومت میداند.

حکومت ضدزن سرنگون سرنگون انقلاب زنانه ۱۴ مرداد ۱۴۰۱



زلزله زنانه ، "هفته حجاب و عفاف" حکومت را بر سرش آوار کرد

مهران محبی



شایسته بشر نیست و بر مردم تحمیل کرده اند، شریک هستند.

مطهری می گوید حجاب مانند اولین خاکریز جبهه است که دشمن برای تصرف سرزمینی حتما باید اول آن را بگیرد! دشمنی که سران جمهوری اسلامی در همه دوره های حاکمیتشان از آن صحبت می کنند و وحشت دارند، مردم ایران هستند.

دشمن جمهوری اسلامی مردم ایران هستند که چهل و سه سال است با حکومت باند سیاهی ای که وظیفه ناتمام حکومت سرنگون شده پهلوی در امر سرکوب و به عقب راندن مردم از انقلاب را به فرجام رسانده است ، درگیر مبارزه برای سرنگون کردنش هستند.

زنان که اولین آسیب دیدگان این حکومت ضد زن بودند، اکنون در خط مقدم مبارزه کل مردم خواهان آزادی و رفاه و انسانیت هستند . آنها با وجود تحمل سختی ها و ضربات سنگین و خونین لحظه ای متوقف نشده و حالا حکومت بی خاکریز و

معاون وزیر ورزش ناله سر می دهد که روسری را آزاد کنی ، زن به برداشتن روسری اکتفا نمی کند، الان روسریش را زده روی چوب و روی بلندی ایستاده، فردا شورتش را روی چوب می زند.

میراث خوران و به نان و نوا رسیدگان و همه دلواپسان سرنوشت حکومت از نوه خمینی گرفته تا به اصطلاح نو اندیشان دینی، محجبه ها و آخوندهای "ملیح" که همگی مبلغ اسلام رامتر و کم آزارتر هستند نیز اوضاع را به ضرر خود و حکومت می بینند و خود را واسطه قرار داده اند تا بلکه مانع از سرنگونی حکومتشان شوند.

هر دوی این طیف و همه باندهای حکومتی در چهل و سه سال جنایت علیه مردم، چهل و سه سال سرکوب، بازداشت، شکنجه و اعدام و به گوله بستن مردم معترض در خیابان و کارخانه و معدن، و چهل و سه سال تحمیل فقر، بیکاری، گرسنگی، فحشاء و اعتیاد و زیاله گردی و هر آنچه که

سران حکومت از آیت الله های رده اول گرفته تا امامان جمعه رده های پایین تر و فرماندهان سپاه و گشت ارشاد از درد ناشی از زخم عمیقی که کارزار حجاب بی حجاب بر روح و روان پریشان و مستاصلشان همزمان با هفته حجاب و عفاف وارد آورده، بر خود می پیچند و نهیب و بیدارباش "سرنگونی عنقریب است" را به یکدیگر می دهند .

طباطبائی نژاد امام جمعه اصفهان نعره می کشد که فضا را برای بی حجابان ناامن کنید و می گوید، اگر جواب بی حجابی را با اسید پاشی دادیم، ناراحت نشوید. سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر روزه می کشد که اگر دیوار حجاب فرو بریزد، مابقی دیوارهای نظام هم فرو می ریزند. آخوند عباس محمدی رئیس عقیدتی سیاسی ارتش اخطار می کند: حجاب خاکریز اول ما است، اگر سقوط کند بقیه خاکریزها هم از دست می رود. وحید رامین پور

سنگر را در محاصر خود گیر انداخته اند. آنچه که امروز سران درنده خوی حکومت از آن به عنوان خاکریز نام می برند و به یکدیگر هشدار نگهداریدش را می دهند، ساختمان ترک خورده و لرزانی بیش نیست.

فراخوان داده شده با عنوان حجاب بی حجاب، یک شکست سنگین را متحمل شد. حضور زنان حجاب در روز بیست و یکم تیر به مثابه زلزله قدرتمندی بود که تمام ارکان حکومت را دچار ترک خوردگی و از هم گسیختگی کرد . عربده گشی های باند در قدرت و نمایشات عوامفریبانه نزدیکی با مردم و مخالفت با حجاب اجباری باندهای مغضوب، ناشی از وحشت از فروریختن بقایای بنای ترک برداشته و سست شده کل حکومت است که عنقریب به یکباره بر سرشان آوار شود و دیگر نه اثری از حکومت بماند و نه از اسلام و خدا و هر نوع خرافه و جهل و عقب ماندگی که بتواند بر سرنوشت مردم حکمرانی کند.

اوباشان اسیدپاش و فاطی کماندوها و حتی گله های مسلح گشت ارشاد در وضعیت ناامنی و بی پناهی قرار دارند به طوری که هر روزه مردم و بخصوص زنان با اردنگی و گوشمالی ازشان استقبال میکنند.

روز بیست و یکم تیر که در تقویم جمهوری اسلامی با عنوان "روز حجاب و عفاف" نامگذاری شده است و حکومت می خواست با گسیل مزدوران چادر چاقچوری خود به خیابانها، رژه ترویج تحمیل و تحمیل حجاب و زن ستیزی را به نمایش بگذارد، از شرکت وسیع زنان در کارزار از قبل



به حضور ابراهیم رئیسی ، رئیس جمهور قاتل در مجمع عمومی سازمان ملل اعتراض کنیم!

جزو هیئت مرگ در جلا دان رژیم تروریست اسلامی و یکی از چهار عضو کمیته مرگ که حکم اعدام هزاران زندانی را در تابستان سال ۱۳۶۷ صادر کردند، در صدد است که با هیئتی در مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر شرکت کند.

رئیس هیئتی یکی از اصلی ترین افراد رژیم است که حکم کشتار مردم را صادر کرده است. جلا دان رئیسی نه تنها



کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۱۱ مرداد ۱۴۰۱ ۲ / آگوست ۲۰۲۲



FREE THEM NOW

Valeh zamani was arrested, Free Valeh zamani

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

کارگری است. لذا ما خانواده واله زمانی با ابراز نگرانی عمیق خود، خواستار آزادی بدون قید و شرط و فوری ایشان هستیم تا با فراهم کردن امکانات درمانی و دارویی مناسب بتوانیم جان ایشان را نجات دهیم."

واله زمانی در نهم خرداد علیرغم ابتلا به بیماری خطرناک کبدی، بدنبال بازداشت دو فعال کارگری فرانسوی سیسل کولر و ژاک پاری و تعدادی از معلمان و فعالین کارگری و اجتماعی با اتهام رسوای همکاری با دسیسه جاسوسی دستگیر شد. با دستگیری وی ادامه معالجه وی متوقف شد و همانطور که برادر و مادر وی اطلاع رسانی کرده اند طی این دو ماه واله محروم از هرگونه دارو و درمانی در زندان بسر برده و شکنجه جسمی شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی دستگیری و ادامه بازداشت جنایتکارانه واله زمانی را شدیداً محکوم میکند و این اقدام سیاستی در جهت قتل خاموش این کارگر زندانی است.

این اولین بار نیست که حکومت اسلامی بدینگونه جان زندانیان را به بازی میگیرد. بکتاش آبتین اخیرترین نمونه بود که در زندان عملاً به قتل رسید. نباید اجازه داد که این جنایت تکرار شود. به نجات جان واله زمانی برخیزیم.

کمپین برای آزادی

از دست دادن کبد و تهدید مرگ روبرو است. در حالی مسئولین زندان از فراهم کردن امکانات درمانی مناسب برای واله زمانی و یا اعزام ایشان به بیمارستان سریاز میزنند که وی علاوه بر بیماری کبدی، مبتلا به زخم معده نیز بوده و بارها دچار خونریزی معده نیز شده‌اند."

بنا بر همین گزارشات آنزیم های کبدی واله زمانی به ۲۰۰۰ رسیده است. یعنی در حالیکه این آنزیم باید رقمی بین ۳۵ تا ۱۲۹ باشد، حدود بیست برابر بیشتر شده است. و این اتفاق دال بر عفونتهای بسیار شدید ویروسی و ابتلای وی به بیماری خطرناک هیپاتیک C است. به تشخیص پزشک آنزیم هایی که در بالای ۲۰۰۰ هستند نشانه سیروز پیش رفته کبد بوده و شانس بهبودی چنین سطحی از بیماری بسیار ناچیز است و اگر درمان و تشخیص بموقع داده نشود مرگ بیمار قطعی است. اکنون واله زمانی در چنین وضعیتی در انفرادی حکومت اسلامی در زندان و زیر فشار است. جلوی این جنایت را باید گرفت.

صابر زمانی نسبت به وضعیت وخیم جسمانی برادرش واله هشدار داده و مینویسد: " با توجه به پایان دوره بازجویی واله زمانی، ممانعت مسئولین زندان از درمان و یا آزادی وی، به معنی تلاش برای حذف فیزیکی این فعال

خطر مرگ واله زمانی را تهدید میکند به نجات وی برخیزیم

بنا بر خبر منتشر شده در اینستاگرام صابر زمانی، خطر مرگ برادر او واله زمانی این فعال محبوب کارگری را که هم اکنون در زندانی اوین در حبس است تهدید میکند. این خبر در دوازدهم مرداد منتشر شده است. صابر زمانی در اینستاگرام خود در از ملاقات اخیر واله با خانواده، وضعیت وخیم جسمانی وی و انتقال مجدد او به سلول انفرادی در بند ۲۰۹ به بهانه مسری بودن بیماری اش خبر میدهد. صابر زمانی در مورد وضعیت جسمانی واله زمانی مینویسد: " طی دو ماه بازداشت واله زمانی ایشان تنها دویار برای معاینه و آزمایش پزشکی به بیمارستان اعزام شده‌اند که نتیجه آزمایشات حاکی از تشدید بیماری ایشان و افزایش خطرناک آنزیمهای کبدی است. واله زمانی که به دلیل ابتلا به هیپاتیت حاد تحت نظارت مداوم پزشک بوده و داروهای مخصوصی را مصرف میکرد، اکنون نه تحت معاینه پزشک متخصص قرار دارد و نه داروهای لازم در اختیارش قرار میگیرد. لذا اکنون واله زمانی با خطر

مقامات حکومت اسلامی دست اندر کاران این جنایت، از طریق ابتکار اعلام کارزارهای اضطراری در حمایت از واله زمانی و معلمان و کارگران زندانی و شکل دادن به آکسیونهای ایستاده در مقابل دفاتر این سازمانها میتوان به جمهوری اسلامی بیشترین فشار را آورد که جلوی ادامه این جنایت را بگیرند. جمهوری اسلامی هر روزه جنایت میکند و باید بخاطر سرکوبگریهایش و جنایاتش و نقض پایه ای ترین حقوق انسانی در ایران در سطح جهانی بایکوت و به انزوا کشیده شود.

کارگران زندانی همصدا با خانواده واله زمانی همگان را به حمایت و همبستگی با این کارگر زندانی و فشار آوردن برای آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و قرار گرفتن سریع او تحت درمان تاکید دارد. کمپین کارگران، معلمان، تشکلهای مختلف کارگری و همه مردم را به حمایت قاطع از واله زمانی و خانواده وی فرا میخواند. واله زمانی در موقعیت اضطراری ای قرار دارد. نباید درنگ کرد. کمپین از تمام سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار دخالت فوری در این مساله را دارد. از طریق نوشتن مستقیم نامه به



تلاش برای ترور مسیح علی‌نژاد را محکوم میکنیم

این دومین توطئه تروریستی جمهوری اسلامی علیه مسیح علی‌نژاد است که خوشبختانه هر دو بار ناکام مانده است.

حزب کمونیست کارگری، توطئه های تروریستی جمهوری اسلامی علیه مسیح علی‌نژاد و همه فعالین اپوزیسیون در داخل و خارج کشور را شدیداً محکوم میکند و همه احزاب، سازمانها و فعالین مخالف حکومت را فرامیخواند که در مقابل این توطئه ها بایستند و خواهان بایکوت جمهوری اسلامی در سطح بین المللی بشوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ مرداد ۱۴۰۱، اوت ۲۰۲۲

تلاش برای ترور مسیح علی‌نژاد را محکوم میکنیم

طبق گزارشات منتشر شده روز ۳۱ ژوئیه (۹ مرداد) فرد مسلحی بنام خالد مهدی اف که مشغول شناسایی محل زندگی مسیح علی‌نژاد روزنامه نگار و فعال سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در شهر نیویورک بوده بوسیله پلیس آمریکا دستگیر شده است. شواهد نشان میدهد که این فرد قصد ترور مسیح علی‌نژاد را داشته و انگشت اتهام متوجه جمهوری اسلامی است.

در محکومیت دستگیری اعضای حزب کومه‌له

بنا بر اخبار منتشر شده طی روزهای اخیر چهار پیشمرگه حزب کومه‌له کردستان به نام‌های، محسن معروفی اهل مهاباد، پژمان فاتحی اهل کامیاران، هژیر فرامرزی اهل دهگلان و وفا آذربار اهل بوکان در منطقه سوم از توابع ارومیه توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر شده‌اند. در همین رابطه حزب کومه‌له یک‌شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۱ طی بیانیه رسمی از بازداشت چند عضو خود در منطقه سوم و برادوست ارومیه طی روزهای گذشته خبر داده بود. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روز پنجم مرداد ادعا کرده است که این چهار نفر اعضای یک تیم تروریستی بوده که از سوی موساد اسرائیل برای انفجار و خرابکاری اعزام شده‌اند.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند با این سناریو سازبها توجیبهی برای شکنجه و اعتراف‌گیری اجباری و احکام زندان و اعدام علیه دستگیرشده‌ها درست کند و از این طریق به گمان خود مردم معترض و مشخصاً مردم

کردستان را مرعوب نماید. حکومتی که در بحران و تشتت و ضعف همه‌جانبه به سر میبرد می‌خواهد با دستگیری این چهار نفر قدرت اطلاعاتی خود را که اخیراً بشدت ضربه خورده و بی اعتبار شده است به رخ مردم بکشد و مردم معترض را عقب براند. باید در مقابل این سناریوسازی‌ها ایستاد و آنرا شدیداً محکوم کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، مبارزه در اشکال مختلف علیه رژیم اسلامی را حق بی‌چون و چرای همه مردم و همه احزاب سیاسی مخالف حکومت می‌داند و مردم آزاده و احزاب و سازمانهای مخالف حکومت را فرامیخواند که علیه دستگیری این چهار نفر و هر نوع شکنجه و اعتراف‌گیری اجباری و احکام زندان و اعدام علیه آنها اعتراض کنند و خواهان آزادی آنها شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ مرداد ۱۴۰۱، ۱ اوت ۲۰۲۲



Mohnsen Marufi



Hazhir Faramarzi



Pezhman Fatehi



Vafa Azarbar

مردم روبرو گردید.

و حرفهای دیکته شده
بازجویان را بیان کرد.

اعتراض سپیده رشنو در ادامه کمپین "حجاب بی ستون‌های حکومت اسلامی را به لرزه درآورد، به نوعی او را به یک سمبل این حرکت عظیم تبدیل کرد. رژیم اسلامی برای انتقام‌گیری از جنبش حجاب بی حجاب زنان و مردم ایران، سپیده را دزدید و به دست جلادان و دژخیمان سپرد تا برای مراسم اعتراف‌گیری آماده کنند.

مردم که با شیوه‌های ضد بشری حکومت اسلامی آشنا نیستند، ساکت نشنستند و سوال "سپیده رشنو کجاست" وسیعاً در مدیای اجتماعی مطرح شد. ربودن سپیده توسط جمهوری اسلامی در صدر اخبار و توجه جامعه باقی ماند. تا آنکه روز یکشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۱ سپیده با چهره‌ای گرفته و تکیده که آثار ضرب و شتم و شکنجه به روشنی در او آشکار بود در تلویزیون جمهوری اسلامی ظاهر شد

اعتراف‌گیری از سپیده رشنو:
**خشم مردم و
زبونی جمهوری
اسلامی!**

اعتراف‌گیری زیر فشار شکنجه و زندان از سپیده رشنو، زن جوانی که اعتراضش به حجاب اجباری وی را به یک قهرمان تبدیل کرد، موجب دامن زدن خشم بی‌سابقه‌ای در بین مردم شده و یک رسوایی تمام‌عیار برای رژیم در حال احتضار جمهوری اسلامی به بار آورده است!

حدود دو هفته پیش سپیده رشنو در برابر تعرض وحشیانه مامور نهبی از منکر حکومت اسلامی در مورد حجاب شجاعانه‌ایستاد و مامور رژیم را مجبور کرد از اتوبوس پیاده شود. ویدیوی اعتراض سپیده رشنو به سرعت در فضای مجازی و تلویزیون‌های مختلف منعکس شد و با استقبال بسیار وسیع

پخش مراسم اعتراف‌گیری شنیع و جنایتکارانه جمهوری اسلامی با انفجاری از خشم اجتماعی بی‌سابقه در مدیای اجتماعی و در میان مردم روبرو شد. مردم ایران به خوبی با اعتراف‌گیری‌های جمهوری اسلامی آشنا نیستند و یک کلمه از آنرا باور ندارند. اما خشم و نفرت عمومی در این ابعاد و ابراز آشکار آن نکته جدیدی بود که تنها نشان از یک چیز دارد و آن اینکه جمهوری اسلامی نه فقط در عرصه حجاب اجباری کاملاً دست را باخته و شکست خورده، نه فقط حربه مخوف اعتراف‌گیری کذابی‌اش را نیز تماماً از کف داده، بلکه با خشم تعرضی، وسیع و روزافزون جامعه علیه کلیت نظام منحوس خود روبرو میشود. در یک کلام جامعه به سمت یک انقلاب عظیم و زیر و رو کننده پیش میرود. "انقلابی که رنگ زنانه خواهد داشت!"

سپیده رشنو

به قهرمان مردم تبدیل شد

سرنگون کردن رژیم کثیف و ضد بشری و ضد زن جمهوری اسلامی صد بار خواهد افزود!
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب زنانه
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۴۰۱، ۲ اوت ۲۰۲۲

حزب کمونیست کارگری همراه همه زنان و همه مردم ایران سپیده رشنو و اعتراض شجاعانه او به حجاب اجباری و جمهوری اسلامی را ارج می‌گذارد و گرامی میدارد و اعتراف‌گیری از او را عملی شنیع و وحشیانه میداند و محکوم میکند. حزب اعلام میکند که در پاسخ به این جنایت جمهوری اسلامی به تلاش همه جانبه خود برای

سرنگون باد جمهوری اسلامی

اطلاعیه خبری تجمع و راهپیمایی کارگران تولی پرسی و شهرداری یاسوج و دستگیری فرنگیس مظلوم

- روز سه شنبه ۱۱ مردادماه کارگران شرکت تولی پرسی برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق شان و خطر بیکار شدن از کار دست به تجمع و راهپیمایی زدند. این کارگران در همین رابطه در سوم مرداد نیز تجمع داشتند.

تولی پرسی یکی از زیرمجموعه های هولدینگ داروگر میباشد و به بهانه مشکلات مالی از اسفند سال گذشته معوقات مزدی کارگران پرداخت نشده است.

- روز ۱۱ مرداد کارگران شهرداری یاسوج در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و خشمگین از فشار سنگین اقتصادی انبوهی از زباله را جلوی سازمان تامین اجتماعی تخلیه کردند. این کارگران بصورت پیمانی کار میکنند. رسول چراغ سحر مدیر کل استان کهگیلویه و بویر احمد برای توجیه نپرداختن مزد کارگران

میگوید: "شهرداری یاسوج از ما مطالباتی دارد و ما نیز از شهرداری مطالباتی داریم و مشکل پرداخت نشدن مطالبات شهرداری یاسوج به دوره مدیران پیشین تامین اجتماعی مربوط است". این اعتراضی به بلبشو و بساط دزدسالاری در شهرداری هاست و این وسط حقوق کارگران است که بلاکشیده میشود و با چنین توجیهاات بیشرمانه ای سعی میکنند کارگران را سردوانند. افزایش حقوقها و پرداخت ب موقع آن و کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای مطالبات کارگران شهرداری در سطح سراسری

کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی تاکید کرد. فرنگیس مظلوم یک فعال ثابت قدم جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام است. این جنبش هر روز قدرتمندتر جلو میرود و با دستگیری فعالین آن فروکش نخواهد کرد. فرنگیس مظلوم باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۴۰۱، ۲ اوت ۲۰۲۲

مادری است که همواره صدای آزادیخواهی و انسانیت بوده است. از جمله در روز جهانی کارگر فرنگیس مظلوم این روز را به همه کارگران و کل جامعه شادباش گفت و بر آزادی

دستگیری بازنشستگان معارض را شدیداً محکوم میکنیم

بنا بر گزارشات از روز جمعه ۳۱ تیر ۱۲ نفر از بازنشستگان تامین اجتماعی در جریان اعتراضاتشان در اهواز علیه فقر و گرانی و حقوقهای ناچیز توسط اطلاعات سپاه بازداشت شده اند. اسامی سه نفر از آنها رهداری، اکبری بیرگانی و برون است. پیشتر برای سه نفر دیگر از آنها به اسامی ظهراپی، کامروا و سعیدوای پرونده امنیتی تشکیل شده و آنها پس از بیست روز بازداشت در سلول انفرادی با سپردن وثیقه پانصد میلیونی موقتا

آزاد شدند.

همچنین سندیکای نیشکر هفت تپه از بازداشت یکی از بازنشستگان این شرکت به نام حسن طرفی خبر داده است. او بیش از یک هفته پیش در منزل برادر خود در اهواز توسط اطلاعات سپاه بازداشت شده است. بعلاوه بهرام گرگان از کارگران بازنشسته مجتمع فولاد خوزستان نیز در یک مرداد ماه بازداشت شده است و هنوز از اتهامات انتسابی به وی اطلاعی در دست نیست.

بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان اعلام داشته اند که مسئولیت جان این بازنشستگان بازداشت شده که همگی از بیماریهای مختلف رنج می برند به عهده جمهوری اسلامی است و در صورت

عدم آزادی فوری بازداشت شدگان، تجمعات اعتراضی خود را به مقابل دادگستری خوزستان در اهواز منتقل خواهند کرد. در تجمع اعتراضی روز هشتم مرداد ماه بازنشستگان اجتماعی در مقابل این سازمان در اهواز با فریاد کارگر زندانی آزاد باید گردد خواستار آزادی فوری همکارانشان شدند.

بیش از دو ماه است که بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به افزایش تحقیر آمیز ۱۰ درصدی حقوقها آنها در دل سونامی گرانی و گرانی سرسام آور هزینه های زندگی، در اعتراض به سر میزنند. خواست آنها اجرای همسان سازی و افزایش سطح حقوقها به بالای خط فقر هجده

میلیونی، درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی همکاران بازداشتی و پایان دادن به اختلاسهای و دزدی ها و بازگرداندن دیون ۴۲۰ میلیارد تومان دولت به صندوق بازنشستگان است.

اهواز یک کانون داغ اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی است. بازنشستگان با تجمعات و راهپیمایی های اعتراضی خود خصوصاً در این شهر بر فضای اعتراضی تأثیر گذاشته اند. بازنشستگان یک بخش رزمنده جامعه هستند و خواستهای همه مردم است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) ضمن حمایت قاطع از خواستها و

مبارزات بازنشستگان تامین اجتماعی بر آزادی فوری تمامی کارگران بازنشسته تاکید دارد. کمپین از همه اتحادیه ها و نهادهای کارگری در سطح بین المللی انتظار دارد که سرکوبگری های وحشیانه حکومت اسلامی را محکوم کرده و به حکومت اسلامی فشار بیاورند تا تمام دوازده کارگر بازنشسته زندانی فوراً آزاد شوند. کارگران زندانی، معلمان دریند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Shahla.daneshfar
2@gmail.com
https://free-them
-now.com
8 مرداد 1401، 30 ژوئیه 2022

